



۲۰۱۳/۰۹/۰۹

عبدالحكيم سامع

بستر ولادت و پرورش طالب افغان و مطبوعات جهان! (قسمت نهم)

بار دیگر تأکید بعمل می آید، که اصطلاحات و القاب چون «طالب»، «ملا» و «مولوی»، بخصوص در محلات پشتون نشین که به «کتگوری» های اجتماعی منسوب می گردیده است، قبل از بحران اخیر بیش از سه و نیم دهه، تا حدی در جامعه ما، مفهوم بوده است. اجتماع ما هر یک از آنها را، با «هویت»، موقف و نقش خاصی می شناخته است. بعبارت دیگر این «گروپ ها» در حیات اجتماعی و فرهنگی، گذشته دور کشور ما، دارای روابط اجتماعی نزدیک با همه قشر ها و افراد جامعه ما بوده اند، در انظار مردم ما، در زمانه های قبل از آغاز «بحران» اخیر، این گروپ، معتقد به دین اسلام، با «هویت» معصومانه و اخلاق پسندیده شمرده می شده است. بدین معنی که «طالبان» و «ملا امامان»، با تمام مردم وطن ما، وجهه مشترک مناسبات، عقیدوی و فرهنگی داشته، از اعتماد تمام اعضای اجتماع مذهبی و عنعنوی برخوردار بوده اند. استخبارات دشمن، بخصوص «پاکستان» و «حامیان» «سعودی» و سائر «وهابیون» و «افراطیون»، از نام آن استفاده سوء نموده اند.



عبدالرب رسول «سیاف»، این «وهابی» غیر عرب نژاد، که گفته می شود، به زبان عربی بسطح عالی صحبت می کند، که نقطه «مثبت» در استعداد او شمرده می شود، اما ازینکه به او «لقب شیخ الحدیث» داده اند، با تأسف از آن زبان، که کتاب مقدس، یعنی «قرآن شریف»، به آن زبان تحریر یافته است، با بی شرمی در جهت «ضد محتوای قرآن» و «ضد پیروان مؤمن و معصوم»، بخاطر اهداف سیاسی خود، هم عمل می کند. بازی مغلک «سیاسی» این شخص، توسط دستگاه های جهنمی و مراکز قدرت، تجدید محتوا و نیرو می گیرد.



در دوران مقدماتی «بحران»، یعنی در زمان موجودیت «قوای شوروی» در «حمایت از رژیم چپ»، کودتائی، رشته های «پیوند قبلی»، «افراطیون راست» را، با «پاکستان» و «سعودی» در «صدر همه»، همین شخص تخصص تعمیق و توسعه بیشتر بخشیده است. این کشور ها، از افراد چون «گلبدین» «مسعود»، «سیاف» و غیره، در تحت حمایت و رهبری «آی. اس. آی.» و دیگر محافل، «مهره های» بین المللی، «افراطیت» و «بنیادگرائی» ساخته اند. («سیاف» بر اساس راپور فلمی، انتشار یافته در «پورتال» افغان جرمن آنلاين، بعد از «رهائی» از «زندان» به «پاکستان»، «پناه» می برد، مسیر نو، معمائی شهرت و نفوذ «سیاسی - ایدالوژیک» خود را در قدم اول، در محافل «افراطی» اسلامی و دستگاه های «استخباراتی» پاکستان و سعودی، در پیش می گیرد.



وقتی از «طالب» امروز نام برده می شود، نباید، آنرا از پیوند به سران «تنظیم ها»، چون «پیروان» مولوی محمد نبی محمدی، مولوی محمد یونس خالص، جلال الدین حقانی، گلبدین حکمتیار، صبغت الله مجددی، پیروان برهان ادین ربانی و بلاخره از پیوند، با تمام حلقات ضد «ریفرمهای اجتماعی»، کاملاً جدا در نظر گرفت. در جنگ بر سر قدرت، خون «جنگی» های اجیر و نا آگاه را

می ریزند، اما در اهداف معین، مرموز باهم متحد اند، با تمام قوت مانع «پروسه» صلح می گردند. شخص بعدی از قماش دیگری است، اما بحیث متحد «سیاف»، «ربانی» و مسعود، با شیوه خاص خود، بطور نمونه، در «جنگ

د پائو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورولو مخکې په خیر و لولئ

های شمال»، در کشتار، «افراد جنگی» طالب نقش داشته، با تغییر تدریجی «چهره»، با استفاده از «شهرت» قتل و قتال «طالب»، با ادعاهای «فریبنده»، مانع رشد و تحکیم پیرویه «وحدت ملی» و «دیموکراسی» می گردد.



Taliban-Kämpfer auf einem Panzer; einer macht eine Ansage per Megaphon

در یکسلسله از مقالات قبلی، بصورت «کافی» «فکت ها» و مدارک ثبوت، ارائه گردیده است، که از «نام» طالب برای پوشش، بخاطر استفاده از «اجیران» و جنگی های حرفوی کار گرفته اند و تا همین امروز هم چنان کار می گیرند. وقتی در آغاز، چنین عکس ها در مطبوعات مشاهده می گردید، هنوز «ماهیت» این حرکت، بخوبی معلوم نبوده است. سالهای بعد از ۱۹۹۶م، طوریکه در شماره های قبلی نیز، تذکر رفته است، با برملا شدن، مشی افراطی، بتدریج مردم افغانستان، با سیاست و اعمال، این گروپ پی بردند. بتدریج در تقویت مواضع «طالب»، بدون شک، بهدایت «پاکستان» از «جانب» افراد «مولوی محمد یونس خالص» «مولوی جلال الدین حقانی» و «گلبدین

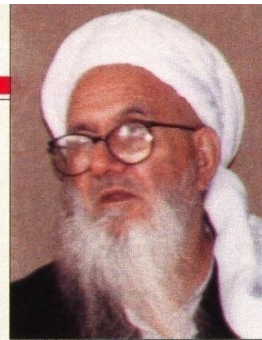
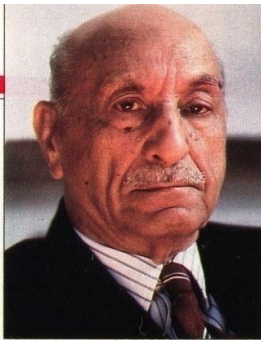
حکمتیار» کمک های پوشیده و نیمه پوشیده، بدست می آورده اند. «عقب نشینی» گلبدین «حکمتیار» از «چهار آسیاب» به نفع «طالبان» و همچنان «واگذار» نمودن «جلال آباد» به نفع «طالبان» از جانب «حاجی قدیر» و ترک کردن محل، بههدف آلمان، می تواند بطور نمونه یاد آوری گردد. قابل تذکر است، که دین و مذهب و کتاب مقدس، که عبارت از «قرآن شریف» است، یکی است. اما «شیخ الحدیث»، بنابر اهداف متفاوت اند. «سیاف» و موضعگیری های سیاسی و موقف او در «جنگ داخلی» بخوبی روشن است. حال به اظهار نظر یک «شیخ الحدیث» دیگر، که در یک نوشته «قبلی»، از مجله «فوکوس» گرفته شده است، توجه نمایید:

«... درین جا آنچه از زبان «پادشاه» و یک «روحانی» در سال ۱۹۹۶م، تذکار یافته است، از نظر می گذرانیم: در سمت چپ عکس پادشاه در بین قوس «گیمه» می خوانیم که از زبان پادشاه می نویسد: «من تصمیم گرفته ام، بکشورم افغانستان عودت نمایم، تا صلح و وحدت ملی، دوباره برقرار گردد.» در پایان خط درشت: «محمد ظاهر پادشاه وقت افغانستان». در سمت راست عکس یک «روحانی» موی سفید، می خوانیم: «تحت نظام سلطنت ما تحفه خداوندی وحدت ملی داشتیم. این نظام با آمدن طالبان دوباره بر می گردد.» در پایان خط درشت: «مولوی شیخ الحدیث، صدر شورای موی سفیدان» «(افغان جرمن آنلاین»، ۲۰۱۳/۰۸/۱۲) در مصاحبه ملا محمد غوث هم چنین گفته شده است: «غوث: پادشاه از احترام برخوردار است، مردم صلح

AUSLAND

„Ich habe beschlossen, in meine Heimat Afghanistan zurückzukehren, um den Frieden und die nationale Einheit wiederherzustellen“

MOHAMMAD ZAHER
EHEMALIGER KÖNIG VON AFGHANISTAN



„Unter dem König hatten wir das Gottesgeschenk der nationalen Einheit. Diese Ordnung kehrt jetzt mit den Taliban zurück“

MAWLAWI SCHEICH AL-HADIS
VORSITZENDER DES ÄLTESTENRATES

طولانی را با ایشان ارتباط می دهند. مردم از جنگ و نتایج آن، به بینی رسیده اند. ما یک چوکات قابل قبول را بوجود آورده ایم، تصمیم را به مردم واگذار می نمایم.»

طوریکه در مرحله اول «حاکمیت» طالبان، دیده شد، با راه یافتن «تدریجی»، حلقات «تروریستی»، در قدم اول «القاعده»، «کشمیری ها» و «چیچین ها» و غیره، در تحت نام «اسلام»، وقتی «حرکات تخریبی» و «فعالیت» های ضد امریکائی «القاعده»، کسب، شدت نمود، در پس «پرده» از حمایت رژیم های معلوم الحال، چون «معمر قذافی لیبیا» نیز مورد تشویق قرار می گرفتند.

در سالهاییکه، جنگی های «القاعده»، «جنگی های پاکستانی» و سائر «افراطیون» در صف «طالبان» سهیم گردیدند، «رهبری» طالبان، از موجودیت «خارجی» ها، «انکار» می نمودند.

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

وقوع حوادث در شمال کشور، بخصوص نقشه های «آی. اس. آی.» و سائر محافل درگیر را، به رسوائی کشانید.



خصوص در عملیات های «اولی» سال ۲۰۰۱م که منجر به سقوط «طالبان» و به «اسارت کتلوی» طالبان «خارجی» نیز انجامید، معمر قذافی، قدرتمدار وقت «لیبیا»، در «انتقاد» از «برهان الدین ربانی»، هوشدار داد. این عکس العمل «قذافی»، ثبوت دیگری از

پیوند های احتمالی «مخفی» او با رژیم پاکستان شمرده می شود، که سالیان دراز تلاش داشته است، تا از طریق پاکستان، به «تکنالوژی» اتمیک دست یابد. نباید از نظر دور داشت، که «قذافی»، بعلت موقف «ضد امریکائی» و «ضد انگلیسی» آن، نه تنها از جمله «حامیان» گلبدین حکمتیار بوده است، بلکه دست «دراز» او الی افراطیون «فلیپینی» و «اندونزیائی» نیز می رسیده است.



(عکس انفرادی در بالا، تبعه امریکائی است، که در قلعه جنگی در شمال، بعد از حادثه خونین در سال ۲۰۰۱م، زنده به اسارت گرفته شد.) «برهان الدین ربانی» اعلان نمود، که از زندگی خارجیان «حفاظت» خواهد نمود، رهبران «اتلاف شمال»، مدعی شدند، که گویا، همه خارجی های اسیر را، به سازمان ملل متحد، خواهند سپرد. (این عکس از منابع «پورتال افغان جرمن آنلاین»)

انکشافات بعدی، یعنی «تغییر» مشی «طالبان» در تحت رهبری «پاکستان» و «عربستان سعودی» و غیره متحدین این «بازی» صورت گرفت. «شکست طالب»، یعنی رانده شدن آن از حاکمیت در یک بخش عمده از خاک



افغانستان، بشمول کابل برای پاکستان، خوش آیند، نبوده است، اما بازی با جنگی ها، بنام «طالب»، باز هم از دست دستگاه های تخریبی آن، خطا نخورده بود، که در عین حال در بازی حمایت از اقدام «واشنگتن» در «جنگ علیه تروریسم»، قدم گذاشت. یکی از عوامل اصلی انحراف «طالبان» و سائر عوامل ضد دیموکراسی در وطن افغان ها، به نسبت نفوذ پاکستان در معضلات افغانستان شمرده می شود. پاکستان از درسهای اولی آموخت، «طالب بعدی» را با «تغییر» سازماندهی و شیوه عمل جدید، خطرناکتر و «افراطی تر» با «ماسک»



وارد صحنه جنگ ساخت. این مرتبه «شعار ضد قوای خارجی» را به آنها دیکته» نموده، سیستم استخباراتی آنکشور، از موقف مسلط بر «سازمان های جدید مخفی طالب» و افراد آن، بحد اعظمی سودمند گردیده است.

بعنوان نمونه، بیجا نخواهد بود هر گاه، یکی از «مهره» های سیاسی - استخباراتی پاکستان را، (عکس بالاتر) بار دیگر از نظر بگذرانیم، که با رسوائی بیحد و ادعاهای عوامفریبانه، صلح و امنیت وطن افغان ها را در مراحل مختلف این «بحران» خوانین، قریب چهار دهه، در تحت رهبری دستگاه «مخرب» منطقوی و بین المللی، بنام «آی.اس.آی.» بمخاطره جدی روبرو ساخته است. این «مهره» که در مرحله «جهاد»، «سازمانده» و حتی بحیث «قمچین زن» «قفاق زن» تمام رهبران، «تنظیم های مقیم پشاور»، شهرت یافته بود، درحال حاضر در قطار

د پانوی شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مبلغین، و سازمانده همین افراطیون چون «طالبان»، قدم بر می دارد و در جریان دوباره برگشت آنها، بحیث عضو ارگان های سازمانده، شناخته شده است.



در یک فلم «نیشنل جیوگرافی»، که از وضع درونی طالبان گزارش می دهد، «جنرال حمید گل» پاکستانی، در حمایت از «افراطیون» با «عوامفریبی» خاص، مدعی میگردد، که گویا مبارزه

علیه «طالبان» و نابودی آنها، چگونه ممکن است؟ او ادعا دارد که، مگر «تمام ملت» نابود گردد. بدین معنی که موقف و نفوذ طالبان را در تمام «ملت» مدعی می گردد.

در رد چنین، اظهارات «هیچ» یکی از «رهبران تنظیم» های همکار او عکس العمل نشان نمی دهند. چرا؟ فقط یک دلیل می تواند، در مجموع تمام دلایل دیگر هم شامل باشد. این خود «نمایانگر» آنست، که اکثریت «رهبران» «هفتگانه» و مسئولین «انجو» های وقت ساکن در پاکستان، باید، از جانب این دستگاه مورد تهدید قرار گرفته بتوانند.

بحران اخیر، که مسؤولیت عمده و «محرکه» اصلی تداوم آن، در مراکز «افراطیون چپ» معلوم الحال از قماش های متنوع و «افراطیون راست» (تیپ «اخوانی» و «وهابی») نهفته است، در جریان مقابله بر سر قدرت، در محافل «هر دو»، تمایلات «نژادی» نیز، بمثابه، «موقف تبعیضی» مشترک وجود داشته و گاهی هم، همین تمایلات آنها را با هم «نزدیک» ساخته است.

اما آنچه در حال حاضر از کلمه «طالب» در تحت نام یک «جنیش» یا «تشکل نظامی - سیاسی» استفاده می شود، از دید نویسنده، با گذشته مناسبات معمول اجتماعی - فرهنگی، و پیوند های تاریخی و تصویر «معصومیت»، صدمه زده است. زیرا وقتی حال از این کلمات نام گرفته می شود، نه بمفهوم و هویت اصلی، بلکه تشکل «جنگی - سیاسی» است که از جانب «قدرت های» معین منطقی و جهانی و بطور مشخص از جانب «پاکستان»، برین مجموعه «مخلوط از اجیران و افراطیون مذهبی اسلامی» («سنی»)، منطقی و بین المللی استفاده شده است. در طرز العمل در جهت «پیوند انترناسیونالیستی» با «ماورای چپ» شباهت دارد. با کمی فرق درین که، «چپ» از «عوامفریبی» در تبلیغ «طبقاتی» و دیگران، در پهلوی «تفاوت های نژادی» از «اختلافات مذهبی و فرهنگی» نیز استفاده می کنند. استفاده «نازی» های آلمان، از شعار های «ضد سیمیتزم»، حتی «احمدی نژاد» رئیس جمهور وقت ایران را بر آن داشت، تا خوشبینی با «نازی» های آلمان را از خود نشان دهد. جای تعجب نیست که اخبار همکاری با «طالبان»، بنابر همین موضعگیری مشترک، از جانب دولت ایران در زمان «احمدی نژاد»، نیز شایع بوده است.

بنابر همین دلیل، از آن روابط «معصومانه» قبلی «طالب» با مردم ما، نمی توان حرف بزبان آورد، وقتی در حال حاضر در افغانستان، «بقایای گروپ هوادار حفیظ الله امین که به «امینی» ها، یاد می شوند» را می شنویم، که در صفوف «طالبان»، «وهابی» های نظیر عبدالرب رسول «سیاف» جای گرفته اند، با مبلغین سائر گروپ های معلوم الحال، شعار های «احمدی نژاد» رئیس «جمهور قبلی ایران» را هم بزبان می آورند، بی باکانه در پخش «شک و تردید» از «هولوکاست» در جنگ دوم «جهانی» نیزمبادرت می ورزند. بدین معنی که شیوه عمل آنها، که با اهداف «سیاسی - نظامی» متمرکز گردیده است، آن «هویت»، «نقش» و «اعتماد مردم» نسبت به آنها، از ریشه صدمه دیده است. در فلم، مدعی شده است، که (در عکس دومی سمت راست، طوریکه در فلم مستند نشان داده شده است)، «یک زن «چادری پوش» بیچاره را بیرحمانه «لت و کوب» می کنند.»

د پانوی شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

کلمه «طالب» کنونی بدون تردید بعنوان «پوشش» برای اهداف «نظامی-سیاسی» بیگانگان، علیه جامعه افغان، بر اساس «فکت ها»، از جانب بخش «انتلجنسی» یا استخبارات قدرت ها، بکار رفته است. اینکه «طراح» و «سازمانده» اصلی چه قدرتی باید بوده باشد، قابل تحقیق بیشتر می باشد. اما هرگاه با دقت لازم قسمتی از وقایع کشور و منطقه را قبل از «پدیدار» شدن این «تشکل» از نظر بگذرانیم، علایم کافی بدست خواهد آمد، تا «مراکز» فکری و سازمانی این «حرکت» را تا حدی تشخیص نمود، که پس از زمینه سازی های چندین دهه، چه کلمه «جالب» و «فریبنده» ایرا برای «غافلگیر» ساختن مردم ما، بکار برده اند.

در جمع «طالب» امروز، «اجیران» حرفوی «جنگ»، بشمول «افراطیون» از سراسر دنیا شامل اند. در قدم اول



آنچه به افغانستان ارتباط می گیرد، نتیجه و محصول «بحران سیاسی آیدیالوژیکی» در بخش «بنیادگرایان اسلامی» افغانستان شمرده می شود، که در مدت زمان بیش از دو دهه، با «آغاز جنگ داخلی» (۱۹۹۲م)، بیشتر از پیش تعمیق و توسعه دیده

است. (نمونه از مدارس که بر اساس پلانهای «دستگاه» جهنمی «آی. اس. آی»، که «حمیدگل» رشته های «فنگری» و «آدمکشی» بیرحمانه را در «دست» دارد، افراد را تربیت می کنند.)

درین حلقهات همانند «جناح چپ»، یک نوع «انترناسیونالیزم»، مخلوط با تمایلات محلی و منطقوی، تمام خصوصیات آنها را تغییر داده است. با توجه با اینکه اصلاً در نگاه «ظاهری» بین «طالب مرحله» اول (۱۹۹۴م الی ۲۰۰۱م) (در واقعیت امر بعد از سپتمبر سال ۱۹۹۶م - ۲۰۰۱م، زمان دخول به کابل) که در تحت شرایط «جنگ داخلی شدید» وارد میدان «سیاسی - نظامی» گردیدند، و «طالب مرحله دوم»، یا «طالب ماسک پوش» و «انتحاری»، تا حدی با تفکیک و با دقت نظر انداخت. این نام «جدید»، یعنی «طالب» که ورد زبان «عام» و «خاص» گردیده است، در آغاز «امید» های معینی را در بین مردم بوجود آورد، مردم خسته از جنگ و «تشنه صلح»، برخی از اظهارات «طالبان» را، در مورد «خلع سلاح» تنظیم های «جهادی» و «جنگ سالاران» درگیر در «جنگ داخلی»، استقبال نمودند.

اینکه آیا همان «طالب معصوم» و «ملا» و «مولوی» و یا «مدرس دینی»، یعنی رهنمای «فرهنگی و دینی» معصوم جامعه قبل از «بحران» اخیر، دوباره موقف اجتماعی و فرهنگی خود را اشغال خواهند نمود، نمی توان پیش بینی کرد.

ادامه دارد ...

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ